

## فهرست

۷	یادداشت نویسنده	
۹	مقدمه	
۱۱	کودکی و نوجوانی	۱
۲۷	جوانی	۲
۵۳	پیش از انقلاب	۳
۶۵	پس از انقلاب	۴
۱۷۹	سال‌های آخر	۵
۲۰۷	داستان‌ها	۶
۲۱۵	تصویرها	۷
۲۲۹	نامه‌ها	۸
۲۳۷	یادداشت‌ها	۹
۲۵۱	حاشیه‌نویسی‌ها	۱۰
۲۶۹	کارنامه‌ها	۱۱
۲۷۳	دنیا از دوربین فرهاد	۱۲
۲۸۹	عکس‌ها	۱۳
۲۹۷	نمایه	

## یادداشت نویسنده

---

در این کتاب قرار نیست موسیقی و هنر فرهاد معرفی شود. کاری نداریم که سبک موسیقی او چه بود، چه خواند و چگونه خواند. این جا فرهاد در مقام یک انسان معرفی می شود. اگر با او به شکلی آشنا شده‌اید، کارهایش را شنیده‌اید یا یک بار از کنار شما رد شده و به شما لبخند زده است، یا حتی اگر از نوع لباس پوشیدنش خوشتان آمده و یا طرح جلد کاست خواب در بیداری را دیده‌اید و به طراحش علاقه مند شده‌اید، و حالا می‌خواهید بدانید منش او چه بوده، چگونه زندگی می‌کرده، چه چیزهایی او را آزرده یا خوشحال می‌کرده، اگر این‌ها برایتان جالب است، شاید این کتاب به شما کمک کند. البته انتظار نداشته باشید او را خوب بشناسید. چه بسا سردرگم‌تر از قبل شوید، زیرا فرهاد قصه‌ای بی‌انتهاست. باشد که همچنان لایتناهی بماند...

بخش‌هایی از کتاب که به منبع مطلب اشاره نشده غالباً محصول گفت‌وگوی نگارنده با همسر فرهاد است. همچنین بعضی از اسامی در کتاب به صورت ناقص ذکر شده‌اند که در اکثر این موارد علت عدم دسترسی به نام کامل شخص مورد نظر و در بعضی موارد نیز عدم تمایل ایشان به ذکر نام کامل خود بوده است.

قدردان و سپاسگزارم از کمک و همکاری نسترن صدیقی‌کیا، والا مهاجر، منوچهر اسلامی، خسرو لاوی، شهبال شب‌پره، کریم، امید هاشملو، بهمن دارالشفایی، امید راسخی، خانواده‌ی مدرس و خانواده‌ی مهرداد.

وحید کهندل

kohandel.vahid@gmail.com

## مقدمه

پاییز سال ۱۳۸۳، با جوانی به نام وحید آشنا شدم که داستان غریب این آشنایی در جای خود بی‌تردید شنیدنی خواهد بود. این جوان هجده ساله شناختی شگفت‌انگیز از فرهاد داشت. هرچه می‌گذشت، من بیش‌تر متوجه شباهت‌های وحید با فرهاد می‌شدم؛ حساسیت‌های غیرمعمول، دقت و موشکافی در جزئیاتی که از نگاه دیگران غیر ضروری تلقی می‌شود و از همه مهم‌تر سؤال‌ها و اظهار نظرهایی که گویای شناختی گسترده و نامتعارف از فرهاد بود.

پس از مرگ فرهاد، زمانی که او یکباره کانون توجه مطبوعات و رسانه‌ها شده بود، کتابی انتشار یافت که به بررسی زندگی او پرداخته بود. کنجکاوانه و به امید آن‌که مطالب باارزشی در آن خواهم یافت، کتاب را خریدم. متأسفانه برخلاف تصورم کتاب پر بود از نوشته‌های متناقض و دروغ‌های عجیب و باورنکردنی مطبوعات و اشخاصی که خود را از نزدیکان فرهاد معرفی می‌کردند. به وزارت ارشاد شکایت کردم و مانع از ادامه‌ی چاپ آن شدم، هرچند تا زمان جمع‌آوری کتاب نسخه‌های زیادی از آن به دست دوستداران فرهاد رسیده بود. اما این کتاب‌نویسی‌ها همچنان ادامه یافت. فرهاددوستان و فرهادشناسان یکی پس از دیگری پا به میدان می‌گذاشتند و با معرفی او به اشکال موهوم و خیالی و ارائه‌ی اطلاعات نادرست در شمایل کتاب، کم‌کم به منبع و سند موثق دیگر رسانه‌ها نیز تبدیل می‌شدند. به‌زودی دریافتم وقتی جامعه اطلاعات ناکافی از شخص یا